



اشک شهر

خداحافظ ای مردان خستگی ناپذیر. خداحافظ ای جانفشانی که آتش نفس را فرو نشانید و با ایثار خود، همه را مبهوت ساختید.

الهام مصدقی‌راد: خداحافظ ای مردان خستگی ناپذیر. خداحافظ ای جانفشانی که آتش نفس را فرو نشانید و با ایثار خود، همه را مبهوت ساختید.

شما این بار آتش فراق و داغ خود را بر دل مردم نشانید. شور و حرارتی در قلب مردم افکندید که آه‌سرت از نهادها بلند شد و آب شفقت از چشم‌ها روان. در حرارت زیر آوار، نه شما، که ما سوختیم. ما ضجه‌های همسنگران‌تان را دیدیم. ناله‌های برادرانتان را شنیدیم. اشک چشم مادران شما هم نتوانست از حرارت زیر آوار بکاهد. بوی دود هنوز از پیراهن رفقای‌تان به مشام می‌رسد، وداع دیروز چقدر برایشان تلخ بود. ایثار از شما آبرو می‌گیرد و ستون‌های آهنین پلاسکو از خجالت شما ذوب می‌شوند.

دیروز دوباره شهر بوی شهدا را گرفت. دوباره تابوت، دوباره سیل جمعیت، دوباره تشییع روی دوش عشق... پیکر 16 شهید آتش‌نشان حادثه پلاسکو دیروز با احترام از مصلاهی تهران تا بهشت زهرا تشییع شد. شبستان مصلی در همان ساعات آغازین صبح شاهد ورود خیل مردم داغ‌دیده و سوگواری بود که با گل‌های سفید و عکس‌هایی از آتش‌نشانان شهید در کنار تصاویری از شهیدان جنگ تحمیلی و شهدای هسته‌ای، خود را نه فقط از تهران که از شهرهای اطراف برای اقامه نماز و بدرقه مردان جانفشان سرزمین‌شان به مصلی رسانده بودند.

غنده در پرچم ایران

پیکر 16 شهید آتش‌نشان در تابوت‌های پیچیده در پرچم 3رنگ ایران در مقابل جایگاه و در میان نوای‌الله‌اکبر و یازها و نوای نوحه‌سرایی مداحان اهل بیت آرام گرفته بود. جمعیتی عظیم با دل‌های داغدار بر پیکر شهیدان مدافع جانشان به امامت آیت‌الله امامی کاشانی نماز خواندند. یک شهر نماز خواند برای مردان جانفشانش. پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب بار دیگر در مصلی قرائت شد: «...این جوانمردان برای نجات جان و مال هم‌میهنان خود، با شهامتی شگفت‌انگیز به درون آتش و آوار رفتند و جان خود را در خطر نهادند و خود را فدا کردند.

آنان یک‌بار دیگر خاطرات فداکاری‌های دوران دفاع مقدس را زنده کردند و نشان دادند که ایرانی مؤمن آنجا که پای خطرپذیری برای ادای وظیفه در میان است عزمی راسخ و شجاعتی مثال‌زدنی را تجسم می‌بخشد و در راه خدا متاع جان را بی‌چند و چون عرضه می‌کند. خانواده‌های داغدار و همه ملت ایران به این عزم و شهامت برخاسته از ایمان بی‌لاند و صاحب‌نظران، این پدیده را در تحلیل‌ها و محاسبات خود درباره ایران و ایرانی مؤمن به حساب آوردند. این حادثه از سویی غم‌انگیز و از سویی افتخارآمیز است.

اینها شهیدان راه خدمت دشوار و انجام وظیفه پرخطرند و هرگز فراموش نخواهند شد ان‌شاءالله... اینجانب در غم آن عزیزان و دیگر جان‌باختگان حادثه پلاسکو با خانواده‌ها و بازماندگان آنان شریکم و از خداوند متعال برای آنان رحمت الهی و برای اینان صبر و اجر مسئلت می‌کنم...»

غرق در جمعیت

پیکر 16 شهید آتش‌نشان بر دوش یاران و هم‌قطاران سرخ‌جامه‌شان به آرامی با احترام و با ذکر یا حسین مظلوم و لاله‌الله که در تمامی مصلی پیچیده بود، تشییع شد. مردم شهر با مردان خستگی ناپذیرشان خداحافظی و تک‌شاخه‌های گلایل را نثار پیکرهای پاکشان کردند.

انبوه جمعیت عزادار تهران اجازه حرکت به خودروهای حمل پیکر شهدا را نمی‌داد. خیابان‌های اطراف مصلی مملو از حضور مردمی بود که فارغ از خط‌کشی‌های آشکار و فارغ از هر سن و سالی چشمان خیس‌شان را به پیکر قهرمانان شهرشان دوخته بودند و زیرلب آرام آرام زمزمه می‌کردند.

بیچاره مادرانشان، کمر خمیده پدرانشان و نگاه منتظر همسر و فرزندانیشان. چه کسی بر داغ بر دل نشسته آنها مرهم خواهد گذاشت؟ غوغای دل مادرانشان چگونه آرام خواهد گرفت؟ غوغایی به وسعت از دست دادن پسر، برادر، پدر، همسر و ... غوغایی که دلها را میسوزاند. کدام آتش نشان می تواند این آتش افتاده به دل های اینان را خاموش کند؟

دست نوشته های مردم تهران روی پلاکاردهای بزرگ در دوربین عکاسان خبری ثبت می شد؛ دل نوشته هایی به پاس قدردانی فداییان شهرشان، دل نوشته هایی به نشانه همدردی با خانواده های شان. در میان انبوه جمعیت مهربان و عزادار تهران فاصله به فاصله خودروهای امداد آتش نشانی ایستاده بود، به رسم همیشه برای برقراری ایمنی. چشمان آتش نشانان در حال انجام وظیفه، خیس بود از رفتن رفقای شان. نگاه مادرانه و جمله های تسلی بخش و خسته نباشید شهروندان شاید کمی آرامشان می کرد و امیدوار و ثابت قدم برای ادامه راهشان.

از مصلي تا میدان هفت تیر، جایی که خودروهای بهشت زهرا منتظر حمل پیکر شهیدان آتش نشان بودند راهی نیست. تا ساعت 12 و حدود 3 ساعت بعد از آغاز مراسم تشییع و پایان نماز هنوز میدان هفتم تیر پیکر شهیدان آتش نشان را در آغوش نگرفته بود. مردم عزادار و قدرشناس توان خداحافظی و دل کردن از مدافعان شهرشان را نداشتند. در تمام طول مسیر پیکر قهرمانان پلاسکو از آسمان هم گلباران می شد.

انتظار در بهشت زهرا

دقایقی از يك بعدازظهر گذشته، بر انبوه جمعیت عزادار تهران در بهشت زهرا همچنان افزوده می شد. پیکر آتش نشانان دقایقی مانده به ساعت 2 وارد بهشت زهرا شده و با ذکر «یا حسین، یا شهید» روی دوش همقطاران شان قرار گرفت. غوغایی به پا بود. تابوت ها گلباران و اشک ها روان، سوز و سرمای هوا هم بر حضور گرم مردم اثر نداشت.

پیکر آتش نشانان يك به يك به قطعه 50 وارد شدند. البته پیکر 3 شهید به خواست خانواده ها به زادگاهشان منتقل شدند و 13 شهید آتش نشان در کنار شهدای منا آرام گرفتند. مصلاي تهران برای همیشه شهادت خواهد داد این شکوه حضور را و قطعه 50 بهشت زهرا در آغوش کشید مردان جانفشان خستگی ناپذیر را تا همه بدانند که با بال های شکسته و سوخته، از زیر خروارها آوار هم می شود پرواز کرد.

تهران با شهیدان، فریدون علی تبار، محمد آقایی، محسن قدیانی، حسین حسین زاده، علیرضا سفی زاده، حسین سلطانی، رضا شفیعی، امیرحسین داداشی، مجتبی کوهی، علی مستوفی، ناصر مهرورز، حامد هوایی، علی امینی، محسن روحانی، رضا نظری و بهنام میرزاخانی خداحافظی کرد.

گوشه هایی از همدلی ملی

شهردار تهران، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه قضاییه، اعضای شورای اسلامی شهر تهران، جمعی از وزرا، مقامات لشکری، سفرای برخی کشورها و ... از جمله شرکت کنندگان در مراسم تشییع پیکر شهدای آتش نشان بودند.

مانیتورهای داخل شبستان مصلي در طول اجرای مراسم تصاویری از امداد در ساختمان پلاسکو و فداکاری آتش نشانان را پخش می کردند.

شرکت کنندگان حاضر در مراسم بعد از نام بردن اسم هر يك از شهدای آتش نشان، با ذکر الله اکبر بدرقه شان می کردند.

2 روز پیش سالگرد تولد شهید علی امینی بود. آتش نشانی که تنها يك ماه تا بازنشستگی اش مانده بود. خانواده این شهید شمع تولد او را در روز وداع با پیکرش روشن کرده بودند.

شهردار تهران و نماینده ویژه مقام معظم رهبری در مراسم تدفین شهدای آتش نشان در بهشت زهرا نیز حاضر شدند.